



shahraranews.ir



استمداد کسبه بازار رضا از مسئولان برای جلوگیری از شکست اقتصادی

اعتراض به ورشکستگی!

به یاد روزهای شلوغ حرم!

حرف اول



سیده نعیمه زینبی
دبیر شهرآرا محله

«چه خوش است حال مرغی که قفس نندیده باشد - چه نکوتر آنکه مرغی ز قفس پریده باشد - پرو بسال ما بریندند و در قفس گشودند - چه رها چه بسته مرغی که پرش بریده باشد.» پیر مرد مدام این دوبیت را زمزمه و با آهی بی پایان و افسوس‌سوی بی انتظار آن را غرق می‌کرد. تکیه داده بود به همان عصایی که قرار بود ناتوانی عضلات تحلیل رفته پاهایش را جبران کند اما با ناتوانی دستانش برای نگه داشتن عصا چه می‌کرد؟ جلوی خانه اش نشسته بود در پناه آفتابی بی پناه که از بی جایی خودش را به زمین رسانده بود و لای تمام در و دیوار این شهر نفوذ می‌کرد. پیر مرد اما دلش از جایی پر بود. پرسیدم: «حالتان خوب است؟» خیلی حوصله جواب دادن نداشت. می‌خواست محلم نگذارد تا خودم از رو بروم اما انکار نشد. گفت: «چه خوبی دختر جان؟ می‌بینی که این دست‌ها و پاها دیگر به اختیارم نیستند.» ماسکم را روی صورتم جابه‌جا کردم و میان این ناتوانی پیر مرد که نمی‌توانستم در آن نقشی ایفا کنم، ساکت شدم! خلاً میان حرف‌های من، پیر مرد را به حرف زدن واداشت. عرقچین سبز رنگش را دستی زد و به جایی چشم دوخت. از نگاه من دیوار بود ولی وقتی کلماتش پشت سر هم ردیف شد فهمیدم سمت حرم است که نگاهش را خریده و آزاد نکرده است. گفت: «قربون امام رضا بشم دختر جان. می‌دونی چند وقته نتونستم برم حرم. این دیگه چه بلایی بود که به سر مون اومد. چه بیماری بود که دست از سرمون برنداشت. آوار کدوم گناهه که روسرومون ریخته و داره خفه مون می‌کنه!» با تعجب گفتم: «حاجی حرم که باز شد دیگه!» انکار سفیھی حرفی نابه‌جازه است و باید از آن گذشت. نگاهی کرد و گفت: «ها باز ولی کسی منو حرم نمی‌بره. چهار ماهه که حرم رو ندیدم. قبلاً چه‌ها می‌مدن و من رو یک ساعتی می‌بردن تا صحن و سرای آقارو زیارت کنم. خادم حرم بودم.

گاهی یک ساعتی پسر من رو سر خدمت می‌برد. دلم باز می‌شد چشمم به اون گنبد و بارگاه می‌افتاد! حالا میگن کروناست. خطرناکه. گفتن از خونه جایی نرم.» پیر مرد سر دردش باز شد. من نگاهم را دوختم به ویلچری که گوشه حیاط خانه‌اش زیر تیغ آفتاب گرمای هوارا به خودش جذب می‌کند و نمی‌شود به آن دست زد. پیر مرد انگار پیش از این کرونا دلش خوش بوده به همین نشیمن دو چرخ که جای پاهایش کار می‌کرده است. اما حالا که نمی‌تواند حرم برود به چه دردمش می‌خورد. روضه‌های پیر مرد که تمام می‌شود من شروع می‌کنم: «بچه‌ها درست می‌گویند حاج آقا، بنشین توی خانه و برای مادعا کن.» یاد حرف روحانی مسجد می‌افتم که گفت:

«امام رضا(ع) که توی چارچوب حرم نیست.» همان جا پریدم وسط حرف روحانی و گفتم: «یعنی معنای زیارت حضور در حرم نیست؟» شیخ بی فاصله گرفت: «نه. امام همه جا هست. هر جا زیارت نامه خواندی همان جا حرم است. همان جا امام را زیارت کرده‌ای.» حرفش حساب است. اما با این دل‌های و اما نده چه کنیم که می‌خواهد هر چه می‌تواند خودش را به امام نزدیک کند. تازه میلاد حضرت معصومه (س) تمام شده است. حتی نتوانستیم در دل هوای حرم بانو را کنیم. حالا میانه دهه کرامتیم و باز ترس از روز ولادت آقا و شلوغی حرم داریم. هر سال این روزها مشهد پر از حاحم‌ترین نقطه دنیا بود. به زعم خودمان. اما حالا چی؟ خبر از آن شلوغی نیست و باید دعا کنیم نباشد. دلم می‌گیرد. می‌خواهم به پیر مرد بگویم: «همان بهتر که دور بنشین و رؤیای آن روزهای شلوغ حرم در روز میلاد حضرت رادرس داشته باشی...»



شیوع کرونا و کاهش چشمگیر تعداد زائرانی که به مشهد می‌آیند باعث وارد شدن فشار اقتصادی زیادی به اصناف اطراف حرم مطهر به

ویژه کسبه بازار رضا که اکثریت مستأجر هستند، شده است. مستأجران غرفه‌های تجاری بازار رضا پس از ۴ ماه انتظار و امید برای بهبودی شرایط، حالا با تنظیم نامه‌ای خواستار رسیدگی مسئولان آستان قدس به مشکلات خود شدند. با توجه به اینکه اجاره کردن غرفه در بازار رضا تا پیش از شیوع کرونا به شدت رقابتی بود و مالکان با استفاده از این شرایط غرفه خود را به بیشترین قیمت اجاره می‌دادند همواره بهای اجاره مغازه در بازار رضاروند صعودی داشت. افزون بر این مستأجران مکلف هستند مبلغ اجاره بهای خود را در همان ابتدای کار به طور کامل به صاحب سرفقلی پرداخت کنند. با وجود این شرایط از اسفند سال گذشته با کم شدن تعداد زائران، هیچ کدام از کسبه بازار رضا نتوانستند حتی هزینه جاری مغازه خود را در بیاورند.

حسینی از کسبه قدیمی بازار رضا در باره شرایط اجاره کردن مغازه در بازار می‌گوید: «مستأجران برای به دست آوردن رضایت صاحب مغازه تن به تمام خواسته‌های او می‌دادند چرا که می‌دانستند برای مغازه خواهان بسیار است. حتی می‌دیدیم

مالک برای اینکه مالیات ندهد قولنامه به مستأجر نمی‌دهد یا مستأجر با جواز مالک کار می‌کند و گاهی مستأجر مالیات بر اجاره را نیز پرداخت می‌کند.»

قرارداد ترکمنچای و زیان مستأجران

حسینی با اشاره به شیوع کرونا و کساد بازار ادامه می‌دهد: «امسال که بازار کساد شده هیچ مستأجری به اندازه اجاره مغازه‌اش فروش نداشت. در این میان تعداد اندکی از مالکان با بخشیدن بخشی از اجاره یا مهلت چند ماهه خواستند کمی وجدان خود را آرام کنند اما متأسفانه این مهلت‌ها نیز به این دلیل که در شرایط فعلی بازار هر چه بیشتر بمانی بیشتر ضرر می‌کنی هیچ سودی برای کسبه بازار رضا ندارد.»

مستأجر بازار رضا در باره تخلیه غرفه‌های تجاری این بازار می‌گوید: «در این مدت ده‌ها مغازه تحت هر شرایطی که بود خالی کردند و برخی حتی با گرفتن یک چک ۶ ماهه روی قرارداد ترکمنچای را سفید کردند. این کار آن‌ها باعث شد دیگر مالکان نیز الگو برداری کنند و به مستأجران خود بگویند فسخ نمی‌کنند و اگر مستأجر زیاد اصرار کرد به او بگویند حاضر هستند باقی پولش را طی یک فقره چک ۶ ماهه به او برگردانند.»

حسینی در انتها از نامه‌ای که برای جلوگیری از ورشکستگی مستأجران بازار رضا تنظیم شده است، خبر داد و افزود: «این شرایط نفس کسبه را بند آورده است به همین دلیل پس از مشورت

با هیئت امنای بازار رضا تصمیم به تنظیم نامه و جمع‌آوری امضا از کسبه گرفتیم. مادر این نامه با اشاره به خسارت وارد شده از شیوع و پروس کرونا از مدیریت مجموعه بازارهای آستان قدس رضوی، هیئت مدیره بازار و صاحبان سرفقلی‌ها خواستار بخشودگی اجاره و بازگرداندن مبلغ اجاره پرداختی از تاریخ ۵ اسفند به بعد شدیم.»

استقبال کسبه از امضای آن‌ها

شهرآرا محله همراه با کسبه‌ای که در تنظیم این نامه مشارکت داشتند راهی تعدادی از غرفه‌ها برای جمع‌آوری امضا شد. به هر غرفه‌ای که می‌رفتیم مستأجران با وجودی که امید چندانی به نتیجه این نامه نداشتند آن را امضا می‌کردند و با اثر انگشت خود مهر تأیید به این مطالبه می‌زدند.

یکی از کسبه بازار که شاید بیشتر آسیب را از شیوع و پروس کرونا دیده است در باره اجاره کردن ۲ غرفه در دست پیش از شیوع کرونا می‌گوید: «مستقر شدن من در این ۲ غرفه هم‌زمان با شیوع کرونا شد و فروشم حتی به اندازه حقوق شاگردانم نمی‌شد. ۴ ماه صبر کردم وقتی دیدم شرایط تغییر نمی‌کند نزد مالکان ۲ غرفه رفتم و از آن‌ها خواستم باقی پول من را برگردانند. متأسفانه هر دوی آن‌ها این درخواست من را رد کردند و گفتند شانس من بد بود و حاضر به فسخ قرارداد نیستند. حالا مانندم چه کاری انجام بدهم و از مسئولان می‌خواهم به شرایط من و دیگر مستأجران بازار رضا رسیدگی کنند.»

به قلم دوربین

شهرآرا

روزهای زمخت اطلس!

در سال ۹۹ در تیرماه امسال اکران کنند. اگر چه در شرایط کنونی با تداوم حضور نامرئی کرونا در جمع انسان‌ها و همچنین نگرانی از افزایش تعداد مبتلایان کام‌تاشاگران سینما را هم تلخ کرده است. تنها ۸ نفر در اولین اکران تابستانی سینما اطلس حضور داشتند تا رکود همچنان به جان تنها سینمای منطقه‌مان بیفتد. سینما اطلس جزو اولین سینماهای کشور است که به روی تماشاگران بازگشایی می‌شود.

پس از مدت‌ها که درهای سینما به روی علاقه‌مندان بسته بود، سینما اطلس با اکران فیلم عطر داغ به روی مخاطبانش گشوده شد. سینمایی که تازه داشت جان می‌گرفت با حضور ویروس منحوس کرونا از رمق افتاد تا اولین فیلمش را

